

موضوع:

منطق: ۹ (فلسفه و عرفان: ۲۲۶)

گروه مخاطب:

- تخصصی (طلاب و دانشجویان)

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۰۶۰

مسلسل انتشار (چاپ اول و بار چاپ): ۶۲۰۰

www.ketab.ir

قاضیان، رحمت‌الله، ۱۳۱۹ -

منطق / رحمت‌الله قاضیان. - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۳.

[۴۴۴] ص. - (مؤسسه بوستان کتاب: ۲۲۶۰ (فلسفه و عرفان: ۲۲۶. منطق: ۹)

ISBN 978-964-09-1607-0

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Rahmatollah Ghazian. Logic

ص. ع. به انگلیسی:

کتاب‌نامه: ص. [۴۰۹] - ۴۱۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. منطق. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مؤسسه بوستان کتاب. ب. عنوان.

۱۶۰

۲ ف ۲ / ۷۸ BC

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۷۷۵۰۲

۱۳۹۳

منطق

رحمت اللہ قاضیان

www.ketab.ir

بوستان کتاب
۱۳۹۲

بوستان کتاب

منطق

- نویسنده: رحمت الله ماضیان
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی خوارزمی علیه قم)
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳ • شمارگان: ۲۰۰ • بهای: ۲۳۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

- ♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائیه)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۷-۳۷۷۴۲۱۵۵-۳۷۷۴۳۴۲۶، فکس: ۳۷۷۴۳۴۲۶
- ♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)
- ♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان فلسطین، خ طوس، کوچه تبریز، پلاک ۳۰، تلفن: ۸۸۹۵۶۹۲۲
- ♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع پاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲
- ♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۳۲۲۲۰۳۷۰
- ♦ فروشگاه شماره ۵: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۳۲۲۲۱۷۱۲
- ♦ فروشگاه کودک و نوجوان: قم، چهارراه شهدا، نبش خیابان ارم، تلفن: ۳۷۷۴۳۱۷۹
- ♦ بخش پکنا (بخش کتب اسلامی و انسانی)، تهران، خ انقلاب، بین ابوریحان و فلسطین، بن بست سروش، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۹۷۳۲۰۳

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: <http://www.bustaneketab.com>

یا قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته اند:

• اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب: جواد آهنگر • سرویواساتار: ابوالفضل طریقه‌دار • ویراستار: نادعلی صالحی • چکیده عربی: خلیل العصامی • چکیده انگلیسی: یحیی داوری • فنی: مصطفی محفوظی • حروفنگار: فاطمه حیدری‌نژاد • اصلاحات حروفنگاری: الهام قره‌گزلو • صفحه‌آرایی: حسین محمدی و احمد مؤتمنی • نمونه‌خوانی: مرضی عراقی و بهمن ادهم‌نژاد • کنترل نمونه‌خوانی: محمدجواد مصطفوی • کنترل فنی صفحه‌آرایی: سیدرضا موسوی‌منش • کارشناس طراحی و گرافیک و طراح جلد: مسعود نجابتی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی • اداره آماده‌سازی: حمید رضا تیموری • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی.

رئیس مؤسسه
اسماعیل اسماعیلی

فهرست اجمالی

۷	پیش‌گفتار
۱۷	بخش اول: بحث‌های مقدماتی
۹۷	بخش دوم: معرف یا تعریف
۱۶۳	بخش سوم: حجّت یا استدلال
۳۹۱	بخش چهارم: اجزای علوم
۴۰۹	کتاب‌نامه
۴۱۱	فهرست تفصیلی

پیش‌گفتار

سپاس بی‌حد و بختایش بی‌قیاس، ذات بی‌مثالی را سزاست که همهٔ اشیا به تسبیح‌اش ناطق‌اند و دست‌او‌قام و متخیله از دامن فهمش کوتاه. آفریدگاری که عقل را که به اصول رأی و فروع نقل و هب است، در بازار داد و ستد قیاس‌ها نشاند، تا استدلال‌های یقینی؛ یعنی برهان را از استدلال‌های غیریقینی؛ یعنی شعر و خطابه و جدل و سفسطه بازشناسد و حدّ هر یک را معین نماید، تا برای کسانی که خواهان حق‌اند، حق از باطل معلوم گردد.

پروردگاری که نوع انسان را از جنس حیوان، به فصل «عاقله» ممتاز فرمود و او را به خطاب:

﴿يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾^۱

ای صاحبان خرد.

مختص گردانید.

خداوندی که به انسان توانایی فکر و نعمت بیان ارزانی داشت و وی را قوّه تصور و تصدیق مرحمت فرمود، تا بر جزئی و کلی و بسیط و مرکب عالم به اندازهٔ استعداد و توانش آگاهی یابد؛

﴿عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾^۱

همه اسم‌ها را به آدم آموخت.

و برای رهبری خرد، «کتاب» فرستاد تا به راهنمایی آن، حَقّ از باطل و حُسن از قُبْح و صدق از کذب و نفع از ضرر و خیر از شرّ و سعادت از شقاوت باز شناسد و در نتیجه، به اندازه توانایی و وسعش به ذات مقدّس او آشنا گردد و در راه عبادت او آنچه را شایسته است بداند و آنچه را بایسته است انجام دهد و به سعادت و نیک‌بختی ابدی نایل گردد.

و برای وی «میزان» قرار داد تا ترازوی عدل به پا دارد و از آن تجاوز نکند، تا صدق از کذب و حسن از قبح باز شناسد و به ستم کشیده نشود؛

﴿وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾^۲ ﴿أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ﴾^۳

و میزان گذاشت، تا در میزان طغیان نکند.

و در کتاب مُتَقِن خود گاهی به نحو قیاس، زمانی به استقرا و در وقتی به تمثیل، تمسّک جست و عقل صرّاف را در بازار داد و سندیاس ده نشانید تا با تصرّف در مواد و صُور آن‌ها و عناصر ترکیبی ادله، براهین سره از ناسره باز شما حد.

و درود متّصل قلبی و سلام منفصل لسانی بر تمامی انبیا و مرسلین ﷺ که پروردگار حکیم با آنان کتاب و میزان فرستاد تا در تصور کلمات و آیاتش و در تصدیق به حجج و بیاناتش، مردم به قسط قیام کنند؛

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ

بِالْقِسْطِ﴾^۳

خصوصاً بر جوهر اشرف امکان، حدّ تام نبوّت و رسم تام رسالت، علّت غایبه

۱. همان، آیه ۳۱.

۲. الرحمن، آیه ۷.

۳. حدید، آیه ۲۵.

آفرینش، خاتم‌الأنبیا محمد مصطفی ﷺ که کتاب و گفتار و کردارش تا برپایی رستاخیز، بهترین الگو و سرمشق برای کسانی است که طالب هدایت‌اند، چنان‌که خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^۱

و می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾^۲

این کتاب بی‌تردید هدایت برای متقین است.

آن‌که امر شده تا با کسانی که عقل و دل دارند، با حکمت و برهان سخن گوید و با کسانی که قوه فهم برهان ندارند، با موعظه حسنه و خطابه اندرز گوید و با آنان‌که طریق انکار پیش گیرند و سر لجاج دارند، با مجادله و مناظره نیکو دهان بندد و از انکار باز دارد؛

﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَعْزَلَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِآيَاتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾^۳

محمد، کافرینش هست خاکش هزاران آفرین بر جان پاکش و سلام و صلوات بر قیاس برهانی امامت و تمثیل وجودی ولایت، موجب کلیه در ایجاد انوار و سالبه کلیه بر قلع کفار، نتیجه فلک هدایت و نقیض ظلمت جهالت، مظهرالعجایب، علی بن ابی طالب و یازده اولاد معصومش علیهم‌السلام، که براهین روشن پروردگار، حجت‌های آشکار حضرت جبار، نتایج حاصله از دو مقدمه نبوت و ولایت و واسطه‌های دو حد عصمت و عدالت، شرایط انتاج علم و عمل و وسایل راه یافتن به مبدأ اول‌اند.

۱. احزاب، آیه ۲۱.

۲. بقره، آیه ۲.

۳. نحل، آیه ۱۲۵.

خدایا! متعلّمان حکمت را با الهام حق و تلقین صدق و توفیق خیر، مؤید گردان و همّت‌های ایشان را به طلب کمال و طریق صواب و کسب فضایل مصروف دار و آنان را از کسالت و تضييع عمر مبرا، از جهل گریزان، از شک به دور، از سفسطه و مغالطه برکنار، به برهان آشنا، با علم مأنوس، با یقین مطمئن و بر صراط مستقیم ثابت بفرما.

فصل ممیز انسان از موجودات دیگر، همانا عقل اوست و چون فصل اخیر، شامل همه فصول و اجناس است، باید گفت: تمام حقیقت انسان، همان عقل و فکر اوست. به قول «مولوی»:

ای برادر تو همین اندیشه‌ای مابقی تو استخوان و ریشه‌ای
«سقراط» در یکی از مکالمات خود به شاگردش «فیدون» می‌گوید: «بدترین مصیبت‌ها آن است، که کسی از تعلّل گریزان باشد».

نخستین فکری که برای هر انسان عاقلی پیش می‌آید، این است که بدانند چگونه و به وسیله چه کسی پدید آمده، چه مراحل را طی می‌کنند و به کجا خواهد رفت؟ ولی تنها افراد معدودی که قرین سعادت‌اند، موفق می‌شوند حقایق را به‌جای آورد و معاد خود آگاهی یابند، چنان‌که امام علی علیه السلام فرموده است:

رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً عَلِمَ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ؟

رحمت خدا بر کسی که دانست از کجا آمده و در کجاست و به کجا می‌رود؟

روزها فکر من این است و همه شب سخنم

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

ز کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود؟

به کجا می‌روم؟ آخر نمایم وطنم؟

بی‌تردید هدف تمام حرکات رفتاری و گفتاری هر انسان به طور فطری و عقلی، رسیدن به سعادت است و نیز بین افراد بشر، در تطبیق مقصد کلی سعادت و در تعیین

و تشخیص راه رسیدن به سعادت اختلاف عظیم است؛ یعنی بسیاری از آن راه‌ها غلط و اشتباه است. بنابراین، اگر انسان در ره‌پاری راه سعادت، میزان و معیاری برای درست بودن افکار و اعتقاداتش نداشته باشد، هرچند هم تلاش و کوشش کند، به بی‌راهه کشیده می‌شود و بسا هر چه بیشتر تلاش کند، بیشتر از راه راست و طریق سعادت دور می‌شود.

به اتفاق خردمندان، آنچه انسان را به سعادت می‌رساند و نیز چیزی که حصول شرافت حقیقی برای انسان در گرو داشتن آن است، همان علم و دانش و حکمت و در نتیجه، تکاملی است که در روح و روان وی حاصل می‌شود و او را ذاتاً دارای شرافت می‌سازد، نه مال و مسم و بر که عارضی‌اند، و حواشی و اضافاتی ناپایدار و در حقیقت ذات انسان تأثیری ندارند و نه جای و مقام که اعتباری و اضافی و موهوم‌اند و بسته به نظر افراد می‌باشند.

از طرفی، علم و دانش، صبغة الهی دارد لذا نه تنها در روح و روان انسان جای می‌گیرد، با روح و روان وی یکی می‌شود و در نتیجه، برای ابد هم با وی است.

و اصولاً علم و دانش، انسان را بر تمام ملک و ملکوت مسلط می‌سازد. چنان‌که انسان با افاضات خداوندی، به تمامی اسماء، عالم گردید و فرشتگان مأمور شدند بر وی سجده کنند.

به گفته حکما و عرفا، انسان در اثر علم و دانش، عالمی صغیر می‌گردد، مشابه عالم کبیر؛ لذا گفته‌اند:

هر آن کس ز دانش برد توشه‌ای جهانی است بنشسته در گوشه‌ای
روان، چون ز دانش شد آراسته جهانی بود پر ز هر خواسته
اولین تحولی که پیامبران در پیروان خود به وجود می‌آوردند، دغدغه مسئولیت در برابر کل آفرینش و توجه به مبدأ و معاد است و این «علم به مبدأ و معاد» نیز همان

علمی است که فلسفه اسلامی عهده‌دار بررسی و تحقیق عقلی و استدلال بر آن است و سایر مسائل مطرح در فلسفه، برای اثبات این دو چیز می‌باشد. چنان‌که پیامبر عظیم‌الشان اسلام علیه السلام دایره کمال، به جانشین خویش در مقام اِکمال فرموده است:

يَا عَلِيُّ، إِذَا عَنَى النَّاسُ أَنْفُسَهُمْ فِي تَكْثِيرِ الْعِبَادَاتِ وَالْخَيْرَاتِ؛ فَأَنْتَ عَنْ نَفْسِكَ فِي إِذْرَاكِ الْمَعْقُولَاتِ، حَتَّى تَسِيْقَهُمْ^۱

ای علی! اگر خواهی از همه مردم در بزرگی پیشی‌گیری، راه دانش پیش گیر؛ و هنگامی که دیگران به افراط در عبادت رنج خویش می‌دهند، تو روان خویش را در راه دانش به کار انداز.

قرآن کریم نیز با لطیف‌ترین و در عین حال، مهیج‌ترین اسلوب، مردم را به تعقل که یگانه راه رسیدن به سعادت است، دعوت کرده، چنان‌که یک‌جا به طور قضیه مانعة‌الخلو می‌فرماید:

﴿قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ الدَّعِيرِ﴾^۲

و گویند: اگر می‌شنیدیم و می‌اندیشیدیم اکنون در میان اهل‌دعیر نبودیم.

و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْتَقَى السَّمْعُ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾^۳

به راستی که در این خبرها پندی و تذکری است برای هر که دلی داشته باشد، یا گوش فرادهد و گواه باشد.

هرچند تفکر؛ یعنی وسیله رسیدن انسان به سعادت، امری فطری است، ولی از آن‌جا که اوهام و خیالات با معقولات انسان مختلط گشته و فضایل و رذایل با هم

۱. به نقل: رهبر خود، ص ۵ و او به نقل از: میرداماد، صراط‌المستقیم، و او به نقل از: ابن‌سینا، رساله معراجیه.

۲. ملک، آیه ۱۰.

۳. ق، آیه ۳۷.

مشتبه می‌شوند توجه به سه نکته ضروری است:

یکم: انسان در افکار خود خطا می‌کند، چنان‌که گاهی فکر او به «حدوث عالم» منتهی می‌شود و گاهی به «قَدَم عالم»، با این‌که از این دو فکر، یکی باطل است و گرنه اجتماع نقیضین لازم می‌آید که آن هم محال است؛ از این‌رو، به میزانی نیاز دارد تا عقاید و آرای مختلف را بدان موازنه نموده، زشت را از زیبا، پسندیده را از ناپسند، درست را از نادرست و بالجمله، سعادت را از بدبختی و شقاوت و حقایق را از اوهام باز شناسد و محک و معیاری می‌خواهد که نظریات مختلف را بر آن عرضه دارد، تا سره را از ناسره و حق را از باطل باز شناسد و فکرش را از خطا مصون دارد، لذا در تعریف منطق گفته‌اند:

مجموعه قواعد و قوانینی که انسان را از خطای در فکر باز می‌دارد، و شیوه درست فکر کردن را به او می‌آموزد. «منطق» گویند.

دوم: هر چیز و از جمله، هر علمی کلیدی دارد. تا کسی آن کلید را نداشته باشد، و راه باز کردن آن علم را نداند، نمی‌تواند از آن چیز را از آن علم استفاده کند. تمام علوم، مخصوصاً فلسفه، کلیدی دارند و آن کلید «منطق» است. به طوری که تا کسی منطق نداند، نمی‌تواند وارد علوم مختلف - مخصوصاً فلسفه - شود و از آن‌ها استفاده کند.

از آن‌جا که منطق مجموعه قوانین عقلی است که به عنوان روش اندیشه صحیح به کار می‌رود و عقل نیز یکی از منابع معارف اسلامی (کتاب، سنت، اجماع و عقل) و تنها حاکم و قاضی در اصول دین است، زیرا حتی وحی که مهم‌ترین منبع هر دین و از جمله، اسلام است، بر کسی نازل می‌شود که دارای عقل و منطق است و برای کسی که از عقل و منطق عاری است، تکلیفی نیست و هم‌چنین، از آن‌جا که درک وحی بدون عقل و منطق امکان‌پذیر نیست، معلوم می‌شود همان‌طور که عقل و منطق، وسیله و روش تحقیق اندیشه‌های فلسفی‌اند، وسیله و روش تحقیق استدلالات دینی و فقهی نیز می‌باشند.

بنابراین، گرچه منطق از یونان وارد حوزه فرهنگ اسلامی شد، چنان مورد پذیرش قرار گرفت که نه تنها به عنوان کلید و مقدمه‌ای بر فلسفه اسلامی آموخته شد، بلکه به عنوان مقدمه‌ای بر سایر علوم دینی، همچون: فقه، اصول، کلام و غیره نیز قرار گرفت.

سوم: با توجه به فواید بسیار علم که بدون شک مهم‌ترین آن، تحصیل سعادت جاودانی است و سعادت جاودانی نیز جز با کمال نفس حاصل نمی‌شود و کمال نفس نیز با تزکیه؛ یعنی پیرایش نفس از اخلاق ناپسند و تحلیه؛ یعنی آراستن نفس به صور حقایق امکان‌پذیر است، اهمّیت منطق روشن می‌شود، زیرا تا مقدمه علم و راه و روش رسیدن به علم را ندانیم، نمی‌توانیم به خود علم دست یابیم و به سعادت کامل برسیم. منطق، نردبان معرفت به سوی هر علم و راه اثبات هر مذهب و عقیده و سبب یقین به هر مقصد و هدف است و بها کسی از منطق مستغنی است که به وحی الهی مؤید باشد.

انسان با فراگرفتن قواعد منطقی، که چشمه‌های جریان علم و معرفت‌اند، دارای ذوقی لطیف و حدسی صایب شده و می‌تواند به سرعت در مسائل علمی پرواز نماید. منطق برای رسیدن به مقام شامخ انسانیت، که عرش خدا و مرتبه عقل اول و قلم است، راه را برای سالک راه علم آسان می‌نماید و او را از خطای در فکر مصون می‌دارد؛ از این رو منطق از جمله فنونی است که از دوره‌های بسیار قدیم، بشر به اهمّیت آن پی برده است و در قرون جدید نیز نه تنها از اهمّیت آن کاسته نشده، بلکه بر اهمّیت آن افزوده شده است.

در رژیم ستم‌شاهی، استعمار و استثمار، چنان کلیه رشته‌های فرهنگ و معارف اسلامی، از جمله فلسفه اسلامی را به انزوا برده و فرهنگ منحط غربی را در دانشگاه‌ها و محافل علمی این کشور گسترانده بود که جوانان می‌پنداشتند نه دین مبین اسلام می‌تواند پاسخ به نیازمندی‌های این عصر را بدهد و نه فرهنگ و فلسفه و

معارف اسلامی می‌تواند در مقابل فلسفه‌ها و مکتب‌های غربی و فرهنگ و معارف غرب هم‌آوردی کند.

حال که با رهبری پیامبرگونه امام خمینی و فداکاری و شهادت‌طلبی جوانان این مرز و بوم، انقلاب اسلامی ایران پیروز شده است، مسئولیت دانشمندان در سطوح مختلف فرهنگ اسلامی دو چندان و بسیار سنگین شده و آنان وظیفه دارند با سعی و تلاش بیشتر از حریم مقدس اسلام و فرهنگ پرمایه آن با قلم و بیان روز دفاع کنند. امید است که نشر این کتاب در اشاعه فرهنگ و معارف اسلامی سهم ناچیزی داشته باشد.

دکتر رحمت الله قاضیان